

# زندگانی و آثار استاد جلال‌الدین همائی



در اصفهان متوطن گردید و خانواده علمی و ادبی تشکیل داد که استاد همائی در حال حاضر بزرگترین فرد شاخص آن خاندان هستند. عم بزرگتر ایشان ملک‌الشعرا میرزا محمدحسین عتقا (وفات ۱۳۰۸ ق.) و عم دیگر میرزا محمد متخلص به سبها (وفات ماه صفر ۱۳۳۸ ق.) هر دو مانند پدر ایشان از فضیلتی شعراء و دانشمندان بشمار می‌آمدند و بطور کلی زن و مرد این خاندان همه اهل سواد و کمال و فضل و ادب بودند.

## تحصیلات

استاد همائی مقدمات تحصیلی را از حدود پنج سالگی نزد پدر و مادر و عم خود سپه انجام داد. تحصیلات جدید را قسمتی در مدرسه حقایق اصفهان، که مؤسس آن مرحوم سید محمد حقایق شیرازی بود، و بخش بیشتر را در مدرسه قدسیه اصفهان پایان رسانید. و مخصوصاً

استاد جلال‌الدین همائی در شب چهارشنبه غره رمضان ۱۳۱۷ قمری موافق با ۱۳ برج جدی (دیماه) ۱۲۷۸ شمسی در اصفهان متولد شدند. پدر ایشان میرزا ابوالقاسم محمد نصیر متخلص به «طرب» (متوفی ۱۳۳۰ ق.) از فضلا و شعرا و خوش‌نویسان نامدار اصفهان بود. جدشان محمد رضا قلیخان همای شیرازی شاعر عارف مشهور قرن ۱۳ هجری است (متوفی ۱۲۹۰ ق.) که از بزرگان طایفه فعلی زند ساکن شیراز بود و در جوانی ترک مناصب گفته سالیان دراز در عتبات عالیات خدمت شیخ محمد حسن صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶ ق.) و دیگر علمای آن بلاد تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد تا بمقام شامخ علمی و روحانی رسید. سپس بر اثر تغییر حالتی که عارفان آنرا جذب می‌گویند از تعینات روحانی نیز صرف نظر کرده بحلیه زهد و درویشی و وارستگی آراسته شد، و پس از چندین سال که بسیر و سیاحت انفس و آفاق گذرانید در حدود سال ۱۲۵۸ ق.

مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی ۱ مدیر مدرسه و برادر کوچکش مرحوم میرزا حسن قدسی ۲ حق تعلیم و تربیت بسیار برایشان دارند. درس حساب و هندسه جدید را نزد مرحوم آقا میرزا عبدالحسین قدسی، و درس عربی و فارسی را نزد مرحوم میرزا حسن قدسی در همان مدرسه قدسیه خواندند. و در درس عربی بعدی پیشرفت کردند که در حدود ده دوازده سالگی کتاب سیوطی را در نحو عربی و منشیات قائم مقام و فرهاد میرزا را در فارسی میخواندند و خوب میفهمیدند و در همان ایام الفیه ابن مالک را نیز از بر کرده بودند و قواعد آنرا شرح می دادند.

البته مراقبت شدید پدر از درس و مشق ایشان در خانه در پیشرفتشان بی اندازه مؤثر بود، بطوریکه میتوان گفت پایه تحصیلات مقدماتی استاد همایی در خانه و در محضر پدر استحکام پذیرفته است.

بعد از آنکه دوره مدرسه قدسیه خاتمه پذیرفت برای ادامه تحصیل در مدرسه نیمآورد (نم آورد) مسکن گزید. این مدرسه از مدارس قدیمه معروف اصفهان است، و در آن تاریخ افاضل علماء و مراجع تقلید از قبیل آیت الله آقا سید محمد باقر درجه ای و برادر کوچکش مرحوم آقا سید مهدی و برادر دیگرشان آقا سید محمد حسن معروف به اخباری و آخوند ملا عبدالکریم گزی و آقا میرزا احمد اصفهانی، و بعد از طبقه ایشان فضلالی طلاب مجتهد یا قریب الاجتهاد نظیر حاج ملا حسن دولت آبادی و آقا شیخ علی عاشق آبادی و حاج شیخ محمد باقر قزوینی و امثال ایشان در آن مدرسه حجره داشتند و اکثر نامبردگان حق استادی بر آقای همائی دارند.

استاد همائی قریب ۲۰ سال متوالی مشغول تکمیل ادبیات و تحصیل علوم عقلی و نقلی گردیدند تا در فقه و اصول بمرتبه اجتهاد رسیدند و به چند فقره اجازات روایتی و اجتهادی از مشایخ و مراجع بزرگ تقلید نائل آمدند. در ریاضیات و هیئت و نجوم و فن استخراج تقویم و اسطرلاب و دیگر این فنون نیز مهارت یافتند و به خاطر تکمیل فلسفه یکدوره کامل هم از طب قدیم نزد اساتید فن آموختند تا آن درجه که در نسخه نویسی و

معالجه بیماران با استاد خود همکاری می کردند. استاد خط نسخ و ثلث را هم در مدرسه قدسیه نزد همان آقا میرزا عبدالحسین و آقا میرزا حسن قدسی که هر دو از خوش نویسان مسلم عصر خود بودند، و در خارج مدرسه نزد ملا محمد تقی کاتب که در محله نیمآورد منزل داشت و در خط و خطاطی از شاگردان بزرگ پرتو اصفهانی بود مشق کردند تا بدرجه خوش نویسی رسیدند، یادگار خطوط آن زمان که حاکی از پختگی خط ایشان است هنوز در اوراق متعلق به استاد دیده می شود. خط نستعلیق را هم پیش خود بقول معروف با «تعلیم نظری» مشق کرده بودند و خوب می نوشتند چنانچه هنوز هم آثار پختگی در خط ایشان مشاهده میشود.

بطوریکه از خود استاد همائی و از معاصران و شاگردان ایام طلبگی ایشان تحقیق شد، تحصیلات استاد همه با تهیدستی و ریاضت و مناعت توأم و تنها مایه پیشرفت کار ایشان عشق مفرط به تحصیل و کسب معرفت بوده است و از قبول وجوهات شرعی و عبادات استیجاری که در میان طلاب آن زمان معمول بود احتراز داشتند و گذران معیشت ایشان منحصر بکار کتابت بود که بتوسط استاد خطشان ملا محمد تقی و یکی دو تن پیرمرد صحاف قدیمی که نزدیک مدرسه نیمآورد دکه داشتند بایشان رجوع می گردید و هر هزار بیت یعنی هزار سطر یک تومان دستمزد داشت و با همان یک تومان یک ماه یا بیشتر گذران می گردید و این تنگ مایه معیشت در آن زمان برای کسی که در تحصیل علم عاشق و در زندگی صنوبر واقف بود کفایت میکرد.

از استاد درخواست نمودیم که درباره وضع تحصیلات خود در مدارس قدیم چیزی بنویسند تا از نظر اهمیتی که از لحاظ روشن ساختن محیط تحصیلی آن روزگار دارد عیناً در این گفتار منعکس گردد، نوشتند: «خوبست در این باره قدری مفصل شرح دهم تا عبرت آموز دانشجویان و طلاب این زمان باشند. در آن روزگار که باشوق کامل و عشق مانع سوز پیوسته مشغول تحصیل بودم هیچ مرمعیشتی ثابت و معلوم، خواه

- ۱- میرزا عبدالحسین قدسی تولدش ۴ رمضان ۱۲۸۷ ق. و فاته شب پنجم ماه صفر ۱۳۶۶ ق. موافق ۸ دیماه ۱۳۲۵ شمسی.
- ۲- میرزا حسن قدسی تولدش ۲۸ رجب ۱۲۹۳ ق. و فاته بعد از ظهر جمعه ۲۷ ذی القعدة ۱۳۶۷ ق. موافق مهرماه ۱۳۲۷ شمسی.



اردستانی رسید که مردی فاضل و بسیار فهمیده و سنجیده و از اختیار زمان خود بود با سعی و اهتمام و دوندگی چندسال متوالی و نفوذ مرحوم آیت الله آقاسید محمدباقر درجه‌یی هر قدر توانست موقوفات از دست رفته را از گلوئی مستاکله بیرون آورد و به تصرف وقف داد و از آن تاریخ به بعد سالیانه وجه مختصری به طلاب داده می‌شد که آنهم بهیچوجه کفاف معیشت ایشان را نمیداد.

### تدریس

دوره تدریس استاد به دو بخش ممتاز تقسیم می‌شود: یکی تدریس در مدارس قدیمه و دیگر تدریس در مدارس جدید.

در مدارس قدیم مطابق معمول طلاب، از همان وقت که صمدیه می‌خواندند صرف می‌رو و عوامل ملامحسن را برای نوآموزان درس می‌گفتند و چون به سیوطی و جامی می‌پرداختند صمدیه را تدریس می‌کردند. بر همین منوال روز بروز کار تدریس ایشان بالا می‌گرفت تا در اواخری که در اصفهان اقامت داشتند بزرگترین حوزه‌های درس مغنی و مطول و شرح شمسیه منطق، و در ایام تعطیل فارسی هیئت و خلاصه الحساب و نظایر این کتب منحصر بایشان بود و گرمترین و پرجمعیت‌ترین حوزه‌های این دروس مجلس درس استاد همایی بود که در مسجد جازچی

موروثی و خواه از طرف دولت وقت و مراجع و جوهات و اوقاف نداشتیم، ناچار با کمال قناعت و مناعت از راه کتابت قوت لایموتی بدست می‌آوردیم و بهیچوجه آبروی فقر و قناعت را نمی‌ریختم همواره اظهار خوشوقتی و شکرگزاری می‌کنم از این جهت که از کودکی تا بزرگی در تمام دوره تحصیل زیر بار منت هیچ مرجعی نرفته و احدی نیست که بتواند دیناری حق برگردن من داشته باشد، و خلاصه اگر باور داشته باشید «قوت جبریل از مطبخ نبود». عجب! با وجود اینکه در آن ایام هنوز خیلی از رقبات اوقاف عامه و خاصه مخصوصاً موقوفاتی که عمده مصرفش کمک خرج و خرید کتاب برای طلاب است هنوز در حالت وقفیت باقی مانده و بملکیت مستاکله ثبت نشده بود دیناری از آن همه عواید بمصرف محصلان و طلاب حقیقی نمی‌رسید، و اگر احیاناً در اطراف مراجع قدرت روحانی تظاهری بریخت و پاش دیده می‌شد خواه در اوقاف و خواه در جوهات شرعیه همه آن در خصوص اتباع و اشیاع و ابزار تجمل و جاه و جلال همان مرجع قدرت صرف می‌شد. متأسفانه نه دولت وقت قوتی داشت که بتواند جلو خودخواهی‌ها و خودسری‌های موقوفه‌خواران را بگیرد و نه در وجود خود آنها عاملی از ایمان قوی بود که مانع اعمال ایشان گردد. فقط در میان آن جماعت بطوریکه شنیده و تحقیق کرده‌ایم مرحوم آخوند ملا عبدالکریم گزی را - اعلی الله مقامه - باید استثناء کرد که اگر جوهاتی بوی داده میشد یا عوانندی از اوقاف در تصرف او نبود بدرد دل طلاب می‌رسید و متأسفانه دست او نیز در این مورد گشاده نبود، هم از این جهت که متولی اوقاف نبود و وجوه بریه بتوسط او خیلی کم داده می‌شد و هم از این جهت که خود او مردی زاهد و قانع بود و طبعاً می‌خواست طلاب را مانند خود به زهد و قناعت عادت داده باشد. مرحوم آیت الله درجه‌یی هم که در فقاہت و تقوی فرزند معنوی مکتب حقیقی ائمه هدی علیهم السلام بوده است غیر از امر امامت جماعت و تدریس و مرجعیت فتوی بکار دیگر از قبیل قضاوت و اخذ و اعطاء و جوهات شرعیه اصلاً مداخله نمی‌فرمود. عواید موقوفات خود مدرسه نیماورد نیز بهیچوجه جوابگوی احتیاج طلاب نبود زیرا اوقاف این مدرسه را نیز وقف‌خواران برده و خورده بودند. چون نوبت تولیت به مرحوم میرزا محمدعلی



از شاگردان آن ایام استاد هستند.

استاد در مدت چندین سال جدوجهد و اهتمام خود  
اوضاع تحصیلی طلاب اصفهان را از جهت استحکام  
مبانی ادبی و منطق و ریاضی اصلاح فرمودند و شاگردانی  
تربیت کردند که یکی بعد از دیگری حافظ میراث علمی و  
ادبی ایشان بوده اند.

تدریس استاد در مدارس جدید از حوالی سال  
۱۳۰۰ شمسی در مدرسه ملی صارمیه اصفهان که اولین  
مدرسه متوسطه کامل آن شهر بود آغاز گردید. به این  
ترتیب که در عین اشتغال بکارطلبگی و تحصیل و تدریسات  
خود در مواقع تعطیل یعنی بعد از ظهرهای چهارشنبه و  
تعام روز پنج شنبه یعنی ۸ ساعت و گاهی بیشتر در دوره  
دوم متوسطه آن مدرسه به تدریس ادبیات فارسی و عربی  
و فلسفه و منطق و فقه می پرداختند.

اولین فارغ التحصیلان دوره متوسطه در اصفهان ۱  
از شاگردان استاد در همان مدرسه صارمیه بودند، با  
توجه به این سوابق می توان استاد را جزو پایه گذاران  
اساسی فرهنگ اصفهان نیز محسوب داشت.

استاد تاحوالی سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۳۴۸ قمری)  
در اصفهان بودند سپس به تهران آمدند و بخدمت رسمی  
دولتی در وزارت معارف (آموزش و پرورش) مشغول شدند.  
نخست دوسه سال در تبریز اقامت داشتند و در مدرسه

بسمه تعالی شأنه

چند بیت است از غزلی که بتازگی ساخته و بخط خردرشته ام اگر غرض این  
غزل را آرامگاه آبدی بنویسند خالی از مناسبت نباشد  
مرادماه ۱۳۴۷ شمسی و جاری اولی ۱۳۸۸ قمری هجری (جولای دیرنهائی سنه)

چون عایب آوازه تو شایسته است  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید

چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید

چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید

چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید  
چون عیب تو دردیست بگشاید

بازار منعقد میشد و پیوسته ۷۰، ۸۰ تن از طلاب فاضل  
اصفهان از آن استفاده میکردند و بسیاری از افاضل  
علماء و پیشوایان روحانی امروز نظیر:  
۱- حاج شیخ مرتضی اردکانی پیشوای روحانی  
معروف اصفهان.  
۲- آقا حاج سیدحسن مدرس بیدآبادی و اعظ  
فاضل و پیش نماز عالی مقام اصفهان.  
۳- آقا حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی  
مدرس معقول و منقول و پیشوای روحانی اصفهان.  
۴- آقا اشنی قودجانی و اعظ عالم معروف اصفهان.

۱- اولین بار که امتحان شش ساله متوسطه بعمل آمد و تصدیق نامه کامل متوسطه (دبیرستان) به دانش آموزان اصفهان داده شد در  
سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی حدود ۴۴ سال پیش بود.

متوسطه دولتی آنجا ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می نمودند، سپس به تهران آمدند و از آن تاریخ به بعد که حدود ۳۷، ۳۸ سال می شود در مدارس متوسطه تهران (مدرسه دارالفنون - مدرسه شرف) و دانشسرای عالی و دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات به تدریس فقه و ادبیات اشتغال داشته اند. ضمناً یک چند هم در دانشکده افسری و دبیرستان نظام تهران به تدریس پرداختند. مدتی هم در حدود ۱۰ سال در دانشکده حقوق در سال سوم قضائی به تدریس فقه و در عین حال در دانشکده ادبیات به تدریس ادبیات اشتغال داشتند. ولی اینک چند سال است که منحصرآ در دانشکده ادبیات به افاضه می پردازند و در دوره لیسانس و فوق لیسانس صناعات ادبی و در دوره دکتری ادبیات فارسی کتاب مطول تفتازانی را تدریس می کنند.

### اجازات

استاد دارای چندین فقره اجازه روایت و اجتهاد از مراجع علمی هستند از آن جمله:

۱- اجازه روایت از مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی نجف علامه محقق شهیر حاج میرزا حسن آشتیانی که اقصر طرق روایت و اتصال سند به مرحوم آیت الله العظمی شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱ق.) است، چرا که مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی شاگرد مستقیم شیخ انصاری رضوان الله علیه بوده و از وی اجازه داشته است.

۲- اجازه روایت و اجتهاد هردو از مرحوم آخوند ملامحمد حسین فشارکی (متوفی ۱۳۵۳ق.) که از اعظم فقهاء و مراجع قضا و تدریس و فتوی در اصفهان بود.

۳- اجازه روایت و اجتهاد هردو از فقیه مدرس کفایه مشهور اصفهان میرسید محمد نجف آبادی متوفی ۱۳۵۸ق. که از تلامذ آخوند ملامحمد کاظم خراسانی بود و در تدریس کفایه از اساتید مسلم شمرده می شد.

### اساتید

۱- حضرت آیت الله العظمی علامه تحریر آقای حاج آقارحیم ارباب تنها کسی است از استادان ایشان که در حال حاضر حیات دارند - متع الله المسلمین بطول

بسم الله الرحمن الرحیم  
 یا رب از تو یاری می طلبم  
 یا رب از تو یاری و کاری از پیش  
 ز رود بی مدد لطف و نصیب  
 لا اله الا انت سبحانک  
 اللهم انى انعمت علی و  
 اصلى علی سانی طرفة  
 لا یتکلی الی نفسی  
 جلال اللدین  
 جلالی  
 ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۷۸ قمری

بقائه - استاد یک دوره هیئت مسطحه و یک دوره هیئت استدلالی و تمام خلاصه الحساب را با قسمتی از فقه نزد علامه معظم تحصیل کرده و یادداشت های درس آن زمان هنوز در میان نوشته های استاد موجود است. در حال حاضر نیز ایام تعطیل تابستان که استاد باصفهان می روند، هرگاه فرصتی پیش آید از محضر علامه معظم و حوزه درس فقه ایشان غفلت نمی کنند.

۲- مرحوم علامه حکیم عارف بزرگوار شیخ محمد خراسانی - اعلی الله مقامه - (متوفی غره ذی الحجه ۱۳۵۵ق.) یکی از بزرگترین استادان ایشان است که مدت حدود ۱۴ سال متوالی در خدمت این دانشمند و حکیم بزرگ به تحصیل فلسفه و منطق و علوم ریاضی و مقدمات طب

در تعطیل و تحصیل ۱ اشتغال داشتند.

استاد کتاب شرح شمسیه منطق تاشفاه و اسفار رانزد آقا شیخ محمد خراسانی تحصیل کرده اند. شرح منظومه سبزواری دوره کامل منطق و فلسفه و شرح هدایه آخوند ملاصدرا و همچنین شرح اشارات دوره کامل منطق و فلسفه و قسمت عمده از فصوص محیی الدین و شفاء منطق و فلسفه و اسفار و تحریر اقلیدس و قسمتی از کلیات قانون طب را همچنان در ایام تعطیل و تحصیل بر آن حکیم عالی مقام در مدت حدود ۱۴ سال خوانده اند.

مرحوم شیخ محمد خراسانی از شاگردان خاص الخاص مرحوم جهانگیرخان قشقائی (متوفی ۱۳۲۸ ق.) است که خود شاگرد حکیم معروف آقا محمد رضا قمشه‌یی (متوفی ۱۳۰۶ ق.) بوده است. استاد همایی در ایام کودکی جهانگیرخان را زیارت کرده اند اما به حوزه درس او نایل نشده اند، لیکن حکیم عالم مدرس معروف آخوند ملا محمد کاشانی را که معاصر جهانگیرخان بوده و وفاتش در سنه ۱۳۳۳ ق. اتفاق افتاده است زیارت کرده و بتقریب اینکه پدر ایشان مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب از شاگردان آن بزرگ استاد بوده است مورد توجه وی قرار گرفته و در خارج از حوزه تدریس از محضر وی برای رفع مشکلات کتب تحصیلی فایده بسیار برده اند. علامه بزرگوار آقای حاج آقا رحیم ارباب بزرگترین شاگرد و نفیس‌ترین یادگار علمی مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی هستند که در محضر مرحوم جهانگیرخان و آیت الله مرحوم آقا سید محمد باقر درجه‌یی نیز مدتی تلمذ کرده اند.

۳- مرحوم حاج میرزا محمد صادق ایزدآبادی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۹ ق.) که از شاگردان مبرز آخوند محمد کاظم خراسانی و از اعظم علماء و مدرسان فقه و اصول حوزه اصفهان بود. استاد تمام فرائد شیخ انصاری و قسمتی از مکاسب و کفایه و درس خارج فقه و اصول را نزد آن بزرگ مرد تحصیل کردند.

۴- آقا سید مهدی درجه‌یی (متوفی ۱۳۶۴ ق.) برادر

کوچک آقا سید محمد باقر درجه‌یی - اعلی الله مقامه - تمام کتاب قوانین میرزای قمی را نزد او تحصیل کرده اند که خود مرحوم درجه‌یی در این کتاب شاگرد حاج میرزا بدیع درب امامی بوده است.

۵- آقا میرزا احمد اصفهانی که ساکن مدرسه نیماورد بود و مخصوصاً در تدریس شرح لمعه تخصص و شهرتی عظیم داشت. استاد همایی کتاب نجات العباد و شرح لمعه و قسمتی از فن رجال و درایه و شرح باب حادی عشر را نزد وی خوانده است. وفات آقا میرزا احمد در سال ۱۳۴۸ ق. اتفاق افتاد.

۶- آقا شیخ علی مدرس یزدی (متوفی ۱۳۵۳ ق.) تمام کتاب مغنی و مطول و قسمتی از شرح لمعه را نزد آن مرحوم تحصیل کرده اند.

۷- حاج ملا جواد آدینه‌یی از علماء و مدرسان بزرگ اصفهان (متوفی رجب ۱۳۳۹ ق.) کتاب معرفة التقویم خاتون آبادی را بتمام و قسمتی از شرح اسباب و شرح منظومه را جزء دروس تعطیلی نزد آن مرحوم تحصیل کرده اند. مثلاً کتاب خاتون آبادی در طی یک ماه رمضان خوانده شد و به اندازه‌یی استاد ایشان در تدریس این کتاب مهارت و تبحر داشت که می دانست در هر روز چه اندازه تدریس کند تا کتاب روز آخر ماه رمضان ختم شود ۲.

۸- آخوند ملا عبدالکریم گزی (متوفی ۱۳۳۹ ق.) شرایع و قسمتی از مکاسب شیخ انصاری را نزد وی خوانده اند.

آخوند ملا عبدالکریم حقوق فراوان بر ذمه استاد داشت و یکی از بزرگترین مشوقان وی در امر تحصیل بود. مکرر از استاد شنیده ایم که در وصف آخوند ملا عبدالکریم گزی می گویند «در فضیلت تقوی و جامعیت علوم و ادبیات نظیر نداشت و در مثل شیخ بهائی زمان خود بود»، دوره تفسیر مجمع البیان که مرحوم آخوند گزی در همان ایام تحصیل طلبگی با استاد اهداء فرموده همیشه در میان کتابهای دم دست استاد موجود است و می گویند که «من مخصوصاً قسمتی از این تفسیر را

۱- در میان طلاب قدیم رسم بود که در روزهای تعطیلی یعنی پنجشنبه و جمعه بطور کلی و ماه رمضان و قسمتی از محرم و صفر و ایام تعطیلی دیگر دروس مخصوصی می خواندند که این دروس را دروس تعطیلی می گفتند، و این خود غیر از دروس رسمی بود که همه روزها جز ایام مذکور بر گزار می گردید.

۲- در یکی از چاپهای خاتون آبادی حواشی حاج ملا جواد با اسم خود او طبع شده است.

در بیشتر مواقع مطالعه می‌کنم حمد و سوره‌ای می‌خوانم و ثواب آنرا به روح مرحوم گزی نثار می‌کنم.

۹- مرحوم حاج میرسیدعلی جناب (متوفی ۱۳۴۹ ق.) استاد ریاضیات جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم استاد همائی است که در ایام تعطیل به‌خانه آن مرحوم می‌رفتند و نزد او درس می‌خواندند.

۱۰- میرزا ابوالقاسم احمدآبادی طبیب (ناصر حکمت) (متوفی ۱۳۷۱ ق.) که خاتمه اطباء عالم عامل قدیم اصفهان بود.

استاد در تحصیل طب قدیم کتاب شرح نفیس و شرح اسباب و قسمتی از قانون ابوعلی را نزد آن مرحوم تحصیل کرده و مدتی پیش دست او نسخه می‌نوشته‌اند.

۱۱- حاج میرزاعلی‌آقا شیرازی واعظ طبیب (متوفی ۱۳۷۵ ق.) او نیز یکی از استادان آقای همائی در درس طب قدیم بود و کتاب معالجات قانون ابوعلی سینا را استاد همائی نزد وی خوانده‌اند.

### تالیفات

تالیفات استاد دو قسمت است، یک قسمت آثار چاپ شده و دیگر آثاری که هنوز به‌طبع نرسیده است. تالیفات طبع شده استاد با تعیین تاریخ چاپ آنها به سالهای شمسی بدین قرار است:

۱- تاریخ ادبیات ایران که اولین تالیف مفصل فارسی در این موضوع است و دو مجلد آن در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ بدر تبریز طبع شده و سه مجلد دیگر هنوز منتشر نگشته است. این کتاب اخیراً توسط کتابخانه فروغی تجدید طبع شده است.

۲- مثنوی ولدنامه با مقدمه مفصل در ۱۲۸ صفحه در شرح احوال مولوی صاحب مثنوی که متن کتاب ۴۳۰ ص است، طبع ۱۳۱۶.

۳- کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی، شامل فنون ریاضی و هیئت و احکام نجوم و اسطرلاب با تحقیقات عمیق که چند برابر اصل کتاب می‌شود، طبع ۱۳۱۶- مقدمه ۱۹۱ ص متن ۶۷۷ ص.

۴- غزالی‌نامه- شرح حال مفصل امام محمد غزالی، که ضمناً یک دوره کامل از تاریخ علوم و ادبیات و مذاهب اسلامی قرن پنجم هجری در آن مندرج است، حدود ۴۵۰ ص طبع ۱۳۱۸. این کتاب اخیراً با ملحقات و اضافات بسیار بتوسط کتابخانه فروغی تجدید طبع شده است.

۵- نصیحة الملوك امام محمدغزالی با تصحیح و مقدمه، طبع ۱۳۱۶، ۲۱ ص مقدمه و ۱۵۹ ص متن کتاب است.

۶- منتخب اخلاق ناصری، طبع ۱۳۲۰، مقدمه ۲۳ ص متن ۱۸۵ ص.

۷- مقدمه اخلاق ناصری، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی، از انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.

۸- مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه از عزالدین محمود کاشانی مشتمل بر تاریخ تصوف و عقاید صوفیه در ۵۴۵ ص با ۱۲۰ ص مقدمه طبع ۱۳۲۵ که بصورت افست هم تجدید چاپ شده است.

۹- کنوز المعزمین در علوم غریبه منسوب به شیخ رئیس ابوعلی سینا با ۱۰۳ ص مقدمه و ۳۵ ص متن، طبع ۱۳۳۱.

۱۰- معیار العقول در فن جرائع منسوب به ابوعلی سینا با ۱۹ ص مقدمه و حدود ۶۰ ص متن طبع ۱۳۳۱، این کتاب و کتاب قبل هردو بتوسط انجمن آثار ملی چاپ شده است.

۱۱- رساله شعوبیه که در شماره‌های مسلسل دوره قدیم مجله مهر طبع شده است.

۱۲- سه جلد کتاب قرائت فارسی مخصوص دبیرستانها که با شرکت مرحوم عبدالعظیم خان قریب و آقای بدیع‌الزمان فروزانفر و مرحوم ملک الشعراء و مرحوم رشید یاسمی تدوین شده است.

۱۳- دستور زبان فارسی، دو دوره کامل ابتدائی و نهائی که با همکاری همان چهار نفر و با سرپرستی مرحوم ذکاءالملک فروغی تألیف شده است و قسمتی از آن که اکنون بنام دستور پنج استاد معروف است بتوسط علی‌اکبر علمی چاپ شده و باقی از میان رفته است. قسمت نحو و قواعد جمله‌بندی فارسی این کتاب را استاد همائی نوشته‌اند.

۱۴- رساله تحقیقی درباره دستور فارسی و مقایسه آن با صرف و نحو عربی، این رساله در چند شماره مسلسل از مجله فرهنگستان به‌طبع رسیده و قسمتی از آن در مقدمه لغت‌نامه دهخدا نقل شده است. استاد در این رساله استدلال می‌کنند که صرف و نحو عربی از فارسی مایه گرفته است.

۱۵- رساله در شرح احوال شعرای اصفهان قرن ۱۳ - ۱۴ که قسمتی از آن در مقدمه دیوان آتش اصفهانی و بخشی در مقدمه دیوان رنگین اصفهانی چاپ شده است.

۱۶- منتخب اشعار خود که با تخلص «سنا» ساخته‌اند و متعلق به ایام جوانی و اوایل عهد شاعری ایشان است و در مجموعه‌ای بنام دانشنامه باهتمام دانشمند معروف مرحوم محمد باقر الفت اصفهانی در سال ۱۳۰۲ موافق ۱۳۴۲ ق. در اصفهان چاپ شده است.

۱۷- رساله در تحقیق احوال خواننده میر مؤلف کتاب حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا با تجزیه و تحلیل ادبی و انتقادی که در مقدمه حبیب‌السیر طبع جدید کتابفروشی خیام بچاپ رسیده است.

۱۸- رساله تحقیقی در احوال مولوی صاحب مثنوی که بخشی از آن در یادنامه مولوی نثریه یونسکو و قسمتی در مقدمه منتخبان دیوان شمس طبع کتابفروشی صفیعلیشاه بچاپ رسیده است.

- ۱۹- دوره کتاب درسی فارسی و دستور و تاریخ ادبیات ایران مطابق برنامه وزارت فرهنگ ۱۳۳۶-۱۳۳۷، برای کلاس اول تا ششم متوسطه دوره‌های علمی و ادبی و تجارتمی درده مجلد که با همکاری چندتن از استادان و دبیران از قبیل آقایان دکتر رضازاده شفق و دکتر ذبیح‌الله صفا و محمود شهبانی بچاپ رسیده است.
- ۲۰- دستور کلاسهای ۵ و ۶ ابتدائی با همکاری همان گروه در سال ۱۳۳۷ شمسی.
- ۲۱- صناعات ادبی شامل بدیع و عروض و قافیه با شرکت همان عده که در کتب درسی ذکر شد، قسمت عروض و قافیه این کتاب را استاد شخصاً نوشته‌اند.
- ۲۲- سه جلد کتاب قرائت و صرف و نحو عربی مطابق برنامه فرهنگ در سال ۱۳۳۶، با همکاری آقایان عبدالرحمن فرامرزی، محمود شهبانی، دکتر محمد خوانساری - دکتر بحر العلوم.
- ۲۳- رساله شرح احوال سروش اصفهانی که در مقدمه دیوان شاعر چاپ شده است، حدود یکصد صفحه و زیری، ۱۳۴۰ شمسی.
- ۲۴- تصحیح دیوان حکیم مختاری غزنوی با حواشی و تعلیقات مفصل، جامع همه آثار منظوم مشتمل بر دیوان قصاید و دو مثنوی هنرنامه یمنی و شهریارنامه، حدود ۹۰۰ صفحه قطع وزیری که بتوسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۰ چاپ شده است.
- ۲۵- مختاری‌نامه یا سرگذشت حکیم مختاری غزنوی، رساله مفصلی است که مدت‌هاست حدود ۳۰۰ صفحه آن توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده ولی هنوز منتشر نگردیده است.
- ۲۶- صناعات ادبی، در فن بدیع و انواع شعر فارسی مخصوص دانشکده ادبیات و سال ششم رشته ادبی، طبع ۱۳۴۲ شمسی.
- ۲۷- کتاب طرب‌خانه، درباره رباعیات حکیم خیام که بتوسط انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۱-۱۳۴۲ طبع شده است.
- ۲۸- دیوان طرب با مقدمه مفصل.
- ۲۹- برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی عنقا و سها و طرب با مقدمه مفصل که بمنزله جلد دوم دیوان طرب است، مجموع این دو جلد از ۱۵۰۰ تجاوز می‌کند، طبع سال ۱۳۴۳.
- ۳۰- رساله مقام حافظ که سخنرانی استاد است در مرزهای دانش راجع به حافظ شیرازی.
- ۳۱- طبله عطار و نسیم گلستان شامل دو مقاله مفصل درباره شیخ عطار و شیخ سعدی که بصورت سخنرانی ایراد شده بود و جداگانه بچاپ رسیده است.
- ۳۲- رساله در مبعث حضرت ختمی مرتبت که یکی از سخنرانیهای مذهبی استاد است و بصورت رساله‌ای بطبع رسیده است.
- ۳۳- خیام‌نامه، در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم خیام که جلد اول آن بتازگی منتشر شده و این خود تازه‌ترین اثر تألیفی طبع شده استاد است.
- ۳۴- رساله اصفهان پاسدار گنجینه‌های علم و ادب و هنر ایران

- که فصلی از کتاب مفصل تاریخ اصفهان استاد همامی است. این رساله در نشریه ایرانشناسی کتابخانه پهلوی - دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایرانشناسان بچاپ رسیده و جداگانه هم به وسیله همان مؤسسه در بهمن‌ماه ۱۳۴۶ منتشر شده است.
- البته غیر از آنچه بر شمردیم، مقالات علمی و تحقیقی استاد بسیار است که در جراید و مجلات بطبع رسیده و نام برخی از آنها در کتاب فهرست مقالات فارسی آمده است.
- تعداد آثار چاپ نشده استاد بسیار است که ما قسمتی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم:
- ۱- تاریخ اصفهان شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و ابنیه و عمارات و مقابر و زبان و عادات و رسوم اصفهان از قدیمترین ایام تاریخی تا عهد حاضر، در چندین مجلد بالغ بر حدود ۱۲،۱۰ هزار صفحه رحلی می‌گردد.
- ۲- ابوریحان نامه، رساله‌ای است مفصل در شرح احوال ابوریحان بیرونی و عقاید و افکار و اکتشافات او در فنون ریاضی و طبیعی، حدود ۶۰۰ ص قطع وزیری.
- ۳- تاریخ ادوار فقه اسلامی، به فارسی مشتمل بر دوره‌ها و اوضاع و احوال مختلف با اسامی و تراجم مختصر فقهای مشهور از صدر اسلام تا عصر حاضر.
- ۴- قواعد فقه بفارسی مشتمل بر کلیه قواعد استنباطی اجتهادی با ذکر امثله و تطبیق فروع با اصول در حدود ۵۰۰ ص وزیری که بخشی از آن را خود استاد در دوره دکتری دانشکده حقوق تدریس کرده‌اند.
- ۵- رساله ارث بفارسی مشتمل بر قواعد میراث با اصول اجتهادی و تطبیق موارد با قواعد ریاضی به روش قدیم و جدید و تاریخ میراث در اسلام و سایر ادیان که در حدود ۷۰۰ ص وزیری برمی‌آید و از جمله تألیفات گرانبهای استاد است.
- ۶- کتاب آسمان و زمین در فن هیئت بفارسی که اوضاع کواکب و افلاک را به روش طریقه بطلمیوس و کپلر توضیح داده است. در أثناء این کتاب احیاناً تقریرات استادان خود خصوصاً علامه بزرگوار آقای حاج آقا رحیم ارباب را سلمه الله تعالی آورده‌اند.
- ۷- دستور و قواعد فارسی دوره مفصل با اسلوبی تازه که در دستورهای معمول سابقه ندارد.
- ۸- ترجمه کتاب اشارات ابوعلی سینا بفارسی.
- ۹- رساله در شرح حال خواجه نصیرالدین طوسی که در حدود ۴۰۰ ص قطع خشتی برآورد میشود.
- ۱۰- تصحیح دیوان ازرقی با توضیحات.
- ۱۱- شرح مشکلات اشعار مثنوی مولوی.
- ۱۲- رساله افکار و عقاید مولوی با بحث مبسوط و مفصل در کلیه آراء و عقاید مکتب خاص طریقه مولانا که در حدود ۴۰۰ ص وزیری می‌گردد و قرارداد طبع آن با دانشگاه منعقد شده است.



۱۳- دیوان اشعار که در حدود ۱۲،۱۰ هزار بیت عربی و فارسی بالغ می‌گردد و قسمتی از آن چنانکه در بخش کتب طبع شده اشاره شد در مجموعه دانشنامه چاپ شده است.

۱۴- فلسفه شرق، یک دوره کامل به فارسی.

۱۵- دوره مفصل معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه.

۱۶- رساله در طریق محاسبات نجومی.

۱۷- بتازگی هم یکی از حکایات مهم مثنوی را با مقدمه و تعلیقات کافی برای دانشجویان دانشکده ادبیات آماده کرده‌اند که تحت طبع است.

استاد بر بسیاری از کتب علمی، فلسفه، فقه و رجال و درایه حواشی مبسوط محققانه نوشته‌اند که ما آنرا در جزو تالیفات ذکر نکردیم.

### شعر و شاعری

استاد با تخلص «سنا» و گاهی با ذکر نام خانوادگی «همانی» بهر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گویند و هر چند در صدد نشر آثار شعری خود نیستند قسمتی از اشعار فارسی ایشان در مجلات و جراید چاپ شده است و اهل ادب باشیوه شاعری ایشان آشنا هستند. ولی از آنجا که اشعار عربی استاد کمتر در جانی درج شده است ما اینک یکی از قصاید عربی ایشان را که اختصاصاً برای درج در این گفتار لطف فرموده‌اند می‌آوریم:

لهفی علی زمن قد ضاع فی اللعی  
لعب علی غرة لا لعب ذی طرب  
افنییت شرح شبانی فی بلوغ منی  
لم اقضها قط رغم الجد فی الطلب  
والنفس من صدع ادواء المنی خرفت  
فما تفرق بین الجسد و اللعب  
طرف الثمام فلما قد دنوت به  
قد صار فی طلب منی علی هرب  
ولی ما رب لم اظفر بها ابدا  
و ما ظفرت من الدنیا علی ارب  
فلا التکرم فی مدح لذی کرم  
فلا التشبیب من ود لذی شنب  
و کم سهرت لیالی الجد مرتقباً  
شتان بین صباح الورد و القرب

و کل ما اضددت جهدا زادنی شططا  
یاللمصیبة بین الیاس و التعب  
فی اخوة کنت قد صادقتم  
و هم اتوا بقمیصی فی دم الکذب  
بحت الفؤاد علی صحب ذوی دخل  
قد کان یفرحهم غمی علی کرب  
فصرت بین ذوی الا ضغان مضطرباً  
کالمستجیر من الرمضاء باللهب  
ان الزمان مکب لاقرار له  
و الناس فیه کجوزاته علی القب  
الدهر کالطفل یؤتی ما سیسلبه  
و یسترد حیاة لیت لم یهب  
یلهو و یلعب بالجوزاة فی سرب  
و نحن فی لعبه کالجوز فی السرب  
لا امر للناس الا فیه مختلف  
و نعم ما قال فیه شاعر العرب  
«تخالف الناس حتی لا اتفاق لهم  
الا علی شجب و الخلف فی الشجب  
فقیل تخلص نفس المرء سالمة  
و قیل تشرك جسم المرء فی العتب»

### سخنی چند از استاد

استاد همانی در یکی از یادداشت‌های خود دربارهٔ خواشن چنین نوشته‌اند:

«من همه چیز هستم و هیچ چیز نیستم، همه چیزیم هست و هیچم نیست، در شعر و ادب چکیده‌ام نه چسبیده، و بر رسته‌ام نه بخود بر بسته. باری ادیب و شاعر و حکیم و عارف و فقیه و منجم و ریاضیدان، همه چیز حتی علوم و فنون غریبه رمل و جفر و اعداد را بدقت یاد گرفته و می‌دانم. اما می‌دانم که هیچ نمی‌دانم «قیمة المرء ما یحسنه» اگر این قضیه درست است من هیچ نمی‌دانم و بدرستی و راستی اهل هیچ فن نیستم. از آن وقت که خود را شناختم تاکنون بهیچ کار و کسبی غیر از تحصیل و مطالعه و تصنیف نپرداختم و یک دم از خواندن و نوشتن نیاسوده‌ام، با اقل مؤونهٔ معاش قناعت کرده هیچ‌گاه ذکر و فکرم از کتاب و دستم از قلم جدا نشده است، تحصیلاتم نه پیش خود و از افواه رجال و

به تعبیر عوام فارسی «تحصیلات دیمی است» که سالیان دراز بانظم و ترتیب صحیح دست از همه کار شسته یکسره همت بر تحصیل علوم و معارف گماشته، در محضر اساتید فن بزبانوی ادب نشسته منت استاد و ادیب کشیده و از آن طبقه نبوده‌ام که مولانا گوید:

هر که گیرد پیشه‌ی بی‌اوستا

ریشخندی شد بشهر و روستا

اگر مناظ فضل و فضیلت همین است که اهل ظاهر می‌گویند و متخرجان مدارس اکتسابی مدعیند من همه چیز می‌دانم و همان دعوی را دارم که انوری در قطعه‌ی می‌گفت «گرچه در بستم در مدح و غزل یکبارگی...» و اگر میزان فضیلت چیزی است که پس از شصت سال و اند رنج شبانروزی دریافتم ای وای که من هیچ نیستم و هیچ نمی‌دانم و از هیچ هم کمتر. پیشوای من در علوم و معارف ظاهری در فنون معقوله ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدین طوسی و در علوم منقوله شیخ طوسی و علامه حلی و شهید ثانی و در ادبیات فارسی و عربی امثال صاحب بن عباد و خطیب تبریزی و خاقانی و انوری بوده‌اند. وقتی که خود را با آن بزرگان مقایسه می‌کنم از بن دندان اعتراف می‌کنم که شاگردی کوچک بیش نیستم.

نمی‌دانم کسانی که برای خود فصل فصل و باب

باب فضایل می‌یافتند و بدان می‌یافتند پیش خود چه فکر می‌کنند! گفتم نمی‌دانم، اما خوب می‌دانم، زیرا این مرحله را تا آخرین منزلش پیموده و ذوق آن مستی دروغین را دریافته و با آن شمشیرهای چوبین بسیار جنگیده‌ام: **قال** عبدنا الهوی ایام جهل و انما

لفی غمره من سكرة من شرابه

اکنون بمنزلی رسیده‌ام که می‌گویم:

«یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله»

در گشاد عقده‌ها گشتی تو پیر

عقدۀ چند دگر بگشاده گیر

همان شعری را که معروف است امام محمد غزالی

بعد از ترك مقامات و مناصب ظاهری خوانده بود اکنون

می‌خوانم و به حقیقت آن واقفم:

ترکت هوی سعدی و لیلی بمعزل

و عدت الی مصحوب اول منزل

و نادان‌دانی الا شواق مهلا فهنه

منازل من تهوی رویدك فانزل

حقیقت امر همان است که «العلم نور یقذقه الله فی

قلب من یشاء» و بحضرت مولانا امیر المؤمنین منسوب

است که فرمود «العلم نقطة کثیرها الجاهلون»:

نقطه علم یکی بود ولی آوردند

این سخنها بمیان زمره نادانی چند

اگر تحصیلات اکتسابی مقدمه تزکیه نفس و

تهذیب اخلاق و تحصیل معارف معنوی نباشد بنظر من

هیچ ارزش ندارد، و علمی که مایه مفاخرت و فضل‌فروشی

و جمع مال و منال دنیوی باشد نه تنها سودمند نیست

که زیانش هزار مرتبه بیشتر از جهل و نادانی است:

علم کز تو ترا بنستاند

جهل از آن علم به بود بسیار

اذا المرء لم یدنس من اللؤم عرضه

فکل رداء یرتدیه جمیل

من بر آنم که در طی مدارج کمال و پیمودن مراحل

ترقی از مقام عقل هیولانی تا مرتبه عقل بالفعل و عقل

مستفاد فقط منوط به عنایت و مدد توفیق الهی است

«ما عندکم ینفد و ما عند الله باق».